



ماهنامه ترادف
#نشریه_دانشجویی
سال اول | اردیبهشت ۱۴۰۳ | شماره ۰
مدیر مسئول: مهدی نامداری
سردبیر: امیرحسین بهنودقاسمی



سخن سردبیر:

به نظر من سخن نخست، یا سخن سردبیر یا عناوینی مانند این، هم سخت ترین قسمت هر نشریه و هم ساده ترین قسمت آن است. سخن نخست که در ابتدای اولین شماره‌ها چاپ می‌شود، نشانگر هویت آن نشریه و نمایان کننده راه پیش روی آن است. اسم این نشریه را ترادف گذاشته‌ایم؛ ترادف یعنی توالی کلمات به نحوی که به یک معنی واحد دلالت کند؛ وقتی اسم ترادف را می‌شنیدیم به دنبال نزدیک ترین کلمه بودیم. ترادف یعنی یار یکدیگر و پی یکدیگر شدن؛ می‌خواهیم در دانشگاه صدایمان، نگاهمان، رفتارمان، اخلاقمان و... مثل هم باشد. ما در دانشگاه تشکیل دهنده یک خانواده هستیم، پس باید بینمان ترادف باشد. از همین شماره اول بنای ما بر این است که پرسشگر باشیم و سعی ما بر این خواهد بود که از نقد خام بپرهیزیم و اگر نقدی می‌کنیم با پشتوانه علمی و یا واقعیتی بیرونی باشد تا بتوان به آن استناد کرد. «ترادف» هیچ مرام و مسلک و مکتبی را جانبداری نمی‌کند، البته پر واضح است که نویسندگان مطالب ممکن است هر کدام طرفدار نظریه‌ای یا مکتبی یا مرامی باشند اما این بدان معنی نیست که دیدگاه نویسنده، دیدگاه کلی نشریه تلقی شود و از این جهت سعی خواهیم کرد که پذیرای دیدگاه‌های گوناگون باشیم و در این باره حداقل محدودیت‌ها را بگذاریم و این شاید تنها مرامی باشد که ترادف سعی خواهد نمود همواره به آن پایبند بماند. و آخر این که، نویسندگان این شماره ترادف؛ کسانی بودند که سردبیر، از پیش با آن‌ها آشنایی زیادی نداشت. البته سعی بر آن بود تا از دوستان بیشتری دعوت به همکاری شود اما به هر دلیل در شماره اول، بیش از این مقدور نشد. با این همه آرزویمان این است که نشریه دانشجویی «ترادف» بتواند موجب دوستی‌ها و آشنایی‌های بیشتری شود و در ایجاد فضایی پرسشگرانه در محیط دانشجویی موثر باشد.

یادداشت



مشق سیاست

۳

مصاحبه



دانشگاه نسل سوم

۲

یادداشت



اگر شما به جای یک زن غزه‌ای بودید...

۱

صفحه تریبون



بزودی...

۳

معرفی کتاب



کار عمیق

۳

پاورقی



اثر رزلی

۱

اگر شما به جای یک زن غزه‌ای بودید...

دیدین تا به حال مردم از کافه رفتن، لباس خریدن و آرایش کردنشون کلی فیلم و استوری می‌ذارن و دلبری می‌کنن؟!

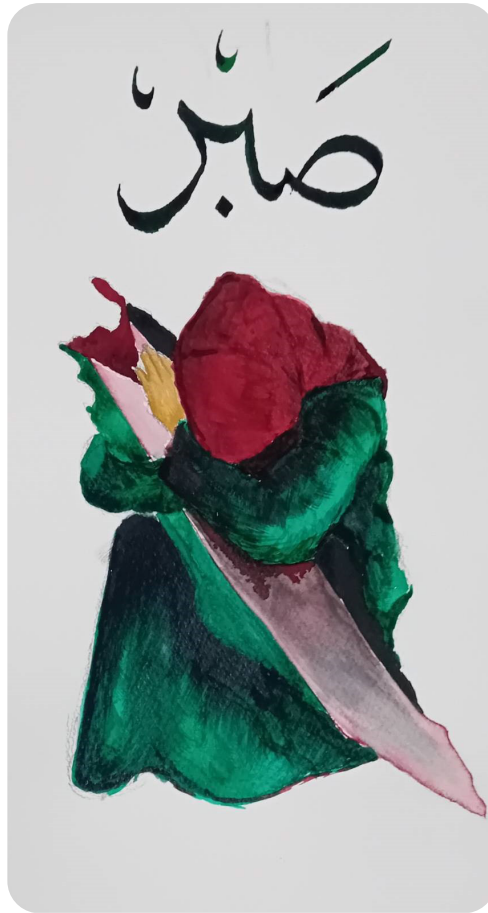
جالبه که بدونین در شرایطی که مردم در وضعیت بد اقتصادی قرار دارن و یا پول برای خرید خونه ندارن، از نظر متخصصان اقتصاد رفتاری، مکانیزمی به نام اثر رزلب فعال میشه.

حالا چرا رزلب مهمه؟! لاریسا جنسن نایب رئیس NPD و مشاور صنعت زیبایی میگه: رزلب فوق العاده قدرتمند است، زیرا می‌تواند بلافاصله چهره‌ی شما را برخلاف هر چیز دیگری تغییر دهد.

حالا اثر رزلب چی میگه؟! طبق این اثر هنگامی که افراد از آینده اطمینان ندارن و یا مشکل اقتصادی دارن، به خرید محصولاتی مانند رزلب یا محصولات ارزان قیمت دیگری روی می‌آورند. برای شاد بودن کافیه خودت رو با ارزون ترین حالت ممکن شاد نشون بدی و چی بهتر از اینستاگرام!

علت اثر رزلب چیه؟! علتش مکانیزم فعالیت ذهنه که در مواقع سختی و مشکلات به طور ناخودآگاه به سمت ایجاد لذت های کوچک گرایش پیدا می‌کنه. بنابراین یادمون باشه بعضی خوشگلی ها فقط اثر رزلبه!

سید مبین حسینی



«خدا» ست. تنها دارایی مردم غزه خداست و جز خدا هیچ چیز و هیچ کس. خدا باوری مردم غزه از نوع خاصی ست. آن‌ها از کودکان خردسال گرفته تا سالمندان چندین و چند ساله به نوعی باور از توحید، مالکیت و ربوبیت خداوند رسیده‌اند که برای تمام جهان شگفت‌انگیز است. اینکه خداوند صاحب همه چیز و همه کس است را لمس کرده‌اند، باور دارند و بر همین اساس می‌دانند باید زندگی کنند، خانه بسازند، عشق بورزند، ازدواج کنند، بچه‌دار شوند، نسل جدیدی را تربیت کنند و حتی مبارزه کنند. توحید در نقطه نقطه زندگی مردم غزه رسوخ کرده و جز توحید هیچ عقیده‌ای چنین توانایی‌ای ندارد. این باور و ارتباطش با زندگی چقدر برای ما قابل درک است؟ تقریباً هیچ. حلقه گمشده‌ای که مردم رنج دیده منطقه‌ای کوچک از زمین در جنگ و سختی‌های فراوان آن را درک کرده‌اند، گره گشای زندگی تمام ما مردم جهان است و این نوع خدا باوری، سبک زندگی‌ای است که باید همگان از مردم غزه بیاموزیم. این نگاه و باور مهم‌ترین پیامی است که فلسطینیان برای تمام جهان دارند، زندگی توحیدی!

ویدیوی مصاحبه پیرمردی فلسطینی را پلی می‌کنم. روی خرابه‌ها ایستاده، به زیر پایش اشاره می‌کند و می‌گوید: «من چهل سال کار کردم و این خانه را ساختم.» لحظه‌ای سکوت می‌کند، گویی بغض راه صحبت را بسته است، با صدایی شکسته و لرزان می‌گوید: «از بین رفت.» باز گویی بغض، مجال حرف زدن ندهد. قورتش می‌دهد، اشک در چشمانش حلقه می‌زند و از ته دل می‌گوید: «فدای فلسطین.» ویدیو تمام می‌شود، یاد ترم دو، کلاس معماری اسلامی می‌افتم. به معماری فلسطین که رسیده بودیم، استاد از نوار غزه برایمان می‌گفت، از یکی از متراکم‌ترین نقاط جهان از لحاظ جمعیت، از نسل کشی‌ای به درازای یک قرن، از دزدیده شدن روزانه کودکان، از بمباران‌های مکرر و حملات گسترده‌ای که مانده وعده های غذایی عادی بود، از فقر و کمبود آب و غذا. بعد از پنج دقیقه که تمام زمانش به مصائب زندگی اهالی نوار غزه گذشت، تنها دو سوال پرسید: «اگر شما به جای یک زن غزه‌ای بودید، بچه دار میشدید؟» پاسخ معلوم بود: «مگر دیوانه‌ایم که در این شرایط کسی را به دنیا بیاوریم؟» و استاد پاسخ داد: «پس فکر می‌کنید چرا زنان فلسطینی بچه‌دار می‌شوند؟ و چرا غزه سومین نقطه متراکم جمعیتی جهان است؟» آیا این زنان دیوانه‌اند؟ آیا پیرمردی که می‌داند هر لحظه ممکن است خانه‌اش بمباران شود اما چهل سال کار می‌کند و خانه را می‌سازد دیوانه است؟ آیا خانواده‌ای که برمی‌گردد و روی خرابه‌هایی که روزی خانه‌شان بود اما حالا کوهی از سنگ و خاک است، زندگی می‌کند دیوانه است؟ چرا باید کودکی در چنین شرایطی به دنیا آورده شود؟ چرا زنگ مدرسه اش صدای تیر باشد و قوت غالبش غم از دست دادن خانواده؟ باید بفهمیم مردم غزه به چه باوری رسیده‌اند، که نه تنها سرزمین شان را ترک نمی‌کنند، بلکه در همان سرزمین در کنار مبارزه، شهر می‌سازند، خانه می‌سازند، مدرسه می‌سازند، بچه‌دار می‌شوند، بچه بزرگ می‌کنند، درس می‌خوانند و ازدواج می‌کنند! اهالی غزه به چه باوری رسیده‌اند که نه فقط برای زنده ماندن بلکه برای «زندگی کردن» تلاش می‌کنند؟ مردم غزه چه دارند؟ امنیت جانی؟ امنیت روانی؟ آزادی؟ خانه؟ آب؟ غذا؟ فرزند؟ از تعلقات مادی و معنوی چه دارند که آن‌ها را به ادامه دادن وا می‌دارد؟ تنها پاسخ





مصاحبه با دکتر مهدی باصولی دانشگاه نسل سوم

دانشگاه علم و فرهنگ به عنوان دانشگاه نسل سوم در تلاش است، از طریق مرکز رشد و پارک علم و فناوری، بستر مناسب برای توسعه ظرفیت‌های کارآفرینی در دانشجویان، نوآوری و ارائه آموزش‌های نوین، اشتغال، توسعه تکنولوژی و خلق ارزش‌های اجتماعی در فرآیند آموزش ایجاد کند. در واقع آینده‌ی شغلی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان برای ما موضوع حائز اهمیت است، به همین دلیل تصمیم گرفته شد، این شماره از نشریه به عنوان اولین مصاحبه به موضوع «کارآفرینی و دانشگاه نسل سوم» به گفتگو با ریاست محترم دانشگاه علم و فرهنگ، جناب آقای دکتر مهدی باصولی، اختصاص پیدا کند که مشروح این گفتگو در ادامه خواهد آمد.

● دانشگاه علم و فرهنگ به عنوان دانشگاه نسل سوم چه اقداماتی در زمینه ایجاد کسب و کار برای دانشجویان انجام داده است؟

سه اقدام بزرگ دانشگاه علم و فرهنگ برای دانشجویان در زمینه اشتغال‌زایی و کارآفرینی عبارت‌اند از:
 ۱. راه‌اندازی مرکز آموزشی مبتنی بر پوشش و رفع خلاءهای آموزشی و کسب و کار (مرکز آموزش کسب و کار)
 ۲. تأسیس مرکز رشد و نوآوری شکوفایی؛ همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد، این مرکز وظیفه دارد ایده‌های دانشجویان را شناسایی کند و به محصول و خدمت مشخص تبدیل کند.
 ۳. احداث پارک علم و فناوری و صنایع نرم و فرهنگی که نخستین پارک تخصصی در حوزه صنایع فرهنگی و نرم است و ۱۵۰ شرکت در این پارک فعالیت می‌کنند، این شرکت‌ها در حوزه صنعت فعال هستند و در چرخه عمر خود در مرحله‌ی بلوغ قرار دارند.

● دانشگاه در مسیر کارآفرینی و اشتغال‌زایی دانشجویان تا کنون با چه چالش‌هایی مواجه شده است؟

نخست آنکه مخاطب مرکز آموزش عمدتاً دانشجویانی غیر از دانشگاه علم و فرهنگ هستند و این مرکز نتوانسته است پکیج مناسب با دانشجویان خود را طراحی کند از این رو نیاز است در نگرش و رفتار خود در این مرکز تغییراتی ایجاد کنیم. چالش بعدی که ما با آن مواجه هستیم این است که ایده‌ی دانشجویان تا چه زمانی در مرکز نوآوری و شکوفایی باید بماند و این ایده چه زمانی باید به پارک علم و فناوری منتقل شود؟ متأسفانه مدل مناسب حمایت از ایده در این زمینه وجود ندارد. چالش سوم مربوط به پارک علم و فناوری مستقر در دانشگاه است که تا کنون دانشجویان و اساتید نتوانسته‌اند ارتباط بگیرند و عمدتاً افراد بیرون از دانشگاه در محیط ۱۵۰ شرکت فعال هستند. آخرین چالش نیز مغفول بی‌اطلاعی دانشجویان از ظرفیت بنیاد کسب و کار و پارک علم و فناوری است چرا که تبلیغات اندکی صورت گرفته و ارتباط درستی شکل نگرفته است.

● چه راهکارهایی برای حل چالش کارآفرینی در نظر دارید؟

راهکار حل این چالش‌ها: ۱. تغییر مدل آموزش کوتاه مدت ۲. طراحی مدل حمایت از ایده‌ها در مرکز نوآوری و شکوفایی ۳. تقویت ارتباط پارک و دانشگاه ۴. ارتباط با معاونت علمی ریاست جمهوری و طرح مشترک و حمایت از توانمند سازی اعضا

● دانشگاه علم و فرهنگ به عنوان دانشگاه نسل سوم چقدر توانسته اشتغال‌زایی و کارآفرینی کند؟

مشکل مهم ما نداشتن باشگاه یا همان انجمن فارغ‌التحصیلان است؛ متأسفانه اطلاعات دقیقی نداریم، آیا دانشگاه در ایجاد و کسب و کار این افراد موثر بوده است یا توانایی شخصی دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان نقش آفرین بوده است؟! راهکاری که برای حل این چالش مدنظر داریم، ایجاد سامانه و باشگاه فارغ‌التحصیلان جهت به دست آوردن آمار دقیق از اشتغال آنان است.

● دانشگاه در جهت تحقق شعار خود به عنوان دانشگاه کارآفرین و نسل سوم چه فعالیت‌هایی انجام داده است؟

دانشگاه علم و فرهنگ، دانشگاه نسل سوم است اما سعی دارد به دانشگاه نسل چهارم، یعنی دانشگاه کنشگر تبدیل شود که با مفهوم توسعه ارزش سر و کار دارد. این دانشگاه باید با جامعه خود در ارتباط باشد و بر اساس نیاز جامعه خدماتی ارائه کند. دانشگاه ارزش آفرینی باید به ابعاد مختلف ارزش نگاه مسئولانه داشته باشد و دانشگاه علم و فرهنگ تلاش می‌کند به سمت دانشگاه خردگرای ارزش آفرین حرکت کند. و به بعد اجتماعی، جسمانی و روحی و اقتصادی و ... دانشجویان توجه کند. کانون‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌ها نیز باید در این جهت به دانشگاه کمک بسزایی داشته باشند، نیاز دانشجویان شناسایی شده و براساس آن خدمات مناسب ارائه کند.



دو خصلت ناپایدار

که درود خدا بر او باد، فرمود: سزاوار نیست که بنده خدا به دو خصلت اعتماد کند: تندرستی و توانگری؛ زیرا در تندرستی ناگاه او را بیمار بینی و در توانگری ناگاه او را تهیدست.

برتری عقل از مشاهده چشم

اندیشیدن همانند دیدن نیست، زیرا گاهی چشم‌ها دروغ می‌نمایانند، اما آن کس که از عقل نصیحت خواهد، به او خیانت نمی‌کند.

در روزگاری که اکثر کارها سطحی و زودگذر هستند، عمیق بودن واقعا کار سخت و گاهی اوقات ترسناک است. اما اگر نگاهی به دور و اطراف خود بی‌اندازیم، می‌بینیم که کارهای مهم و ماندگار جنسی از عمق دارند. کتاب‌های پرفروش جی.کی. رولینگ، نظریه‌های یونگ، طرح‌های مایکروسافت و بسیاری از کارهای ارزش‌آفرین در زندگی انسان‌ها به کار عمیق مرتبط می‌شوند. کال نیوپورت استاد دانشگاهی است که در کتاب «کار عمیق» به زبان ساده کار عمیق را تعریف، اثبات و بررسی کرده است. او بعد از اینکه ارزش کار عمیق را به ما نشان می‌دهد، به ما راهکارهایی برای عمیق شدن در کارها و زندگی روزمره می‌دهد. جالب است بدانید که این توصیه‌ها از پس چندین آزمایش علمی پدید آمده‌اند، که اثر بخشی کار عمیق را حتی در دنیای کنونی اثبات می‌کند. این کتاب برخلاف دیگر صحبت‌ها به شما توصیه نمی‌کند: «که برای زندگی بهتر و عمق بخشی به کارها، شبکه اجتماعی خود را پاک کنید!» بلکه می‌گوید: «اگر می‌خواهید از رسانه‌های اجتماعی استفاده کنید، انضباط خاصی را مطابق ارزش‌های خودتان پیش بگیرید.» البته که برای پیدا کردن ارزش‌های شخصی هم، روش‌هایی را توصیه می‌کند. بنابراین کتاب مورد نظر قوانینی را برای تمرکز در دنیای آشفته بیان می‌کند. قوانینی برای دنیای بدون خلوت ما؛ خواندن این کتاب را به همه، مخصوصاً دانشجویان توصیه می‌کنیم.

امیرحسین بهنود قاسمی



مشق سیاست: رفیق استالین بفرمائید؛ چین!!!

اگر پیشنهاد ماؤ را می‌پذیرفتیم در حزب کمونیست واحد چین و شوروی، چینی‌ها ۳ برابر ما عضو می‌داشتند و در انتخابات حزبی سه چهارم چینی، در برابر یک چهارم روسی، شورای مرکزی را با سه چهارم چینی و یک چهارم روسی انتخاب می‌کردند و در واقع ماؤ علیرغم همه کمک‌های شوروی به تأسیس چین کمونیست، چین را به شوروی الحاق نمی‌کرد بلکه داشت شوروی را به چین الحاق می‌کرد. بله، این واقعیت میدان سیاست است که در جلسه ضیافت و جشن پیروزی، دو طرف ماجرا دارند به یکدیگر در پوشش دوستی و رفاقت کلک می‌زنند و این هوشمندی استالین در فهم هدف پوشیده شده در لایه‌های متعدد و خنثی سازی آن بود. در حال حاضر در مورد شخص استالین تایید یا عدم تاییدی نداریم. بنابراین در دنیای سیاست، کلمات و واژه‌های زیبا، سخنرانی‌های داغ در جهت ارزش‌های انسانی، شعارها و بیانیه‌های به ظاهر انسانی مطرح می‌شود؛ اما در بسیاری از آنها چون به حقیقت نگریسته شود، زشتی‌ها و پلیدی‌ها و دشمنی با انسان‌ها و ظلم و ستمی که در پشت پرده این حرف‌های به ظاهر زیبا قرار دارد، آشکار می‌گردد. از این گونه مطالب زیاد هستند.

در یک ضیافت شبانه در کاخ کرملین، درست بعد از زمانی که ماؤ در قیام ملت چین پیروز شده بود و جمهوری کمونیستی چین را تأسیس کرده بود، مطلبی بیان شد. ماؤ در این ضیافت که به افتخار پیروزی ماؤ و کمونیست توسط استالین برگزار شده بود؛ در سخنرانی مرسوم برای تعیین خطوط آینده، گفت: رفیق استالین، به شکرانه‌ی پیروزی کمونیست در چین، برای اینکه بزرگترین کشور جهان در تاریخ کره زمین یک کشور کمونیستی باشد، من از همین‌جا الحاق چین را به شوروی با ریاست شما اعلام می‌کنم! همه حضار کف زدند و حاکمان شوروی خوشحال از اینکه رؤسای یک کشور یک میلیاردی می‌شوند. اما در میان بهت آنها، استالین با خونسردی در سخنرانی‌اش بر سر میز شام در پاسخ به ماؤ گفت: رفیق ماؤ، متشکرم؛ ما و شما دو کشور کمونیستی هستیم؛ ولی بهتر است دو کشور بمانیم، لکن در سیاست‌ها و روابط جهانی با هم همراهی خواهیم داشت. آن شب گذشت و چند شب بعد، رفقای خلوت استالین از او پرسیدند: چرا این پیشنهاد مهم، که دوکشور را تحت حاکمیت خودت درمی‌آورد نپذیرفتی؟ استالین گفت: چین ۷۵۰ میلیون جمعیت دارد و شوروی ۲۵۰ میلیون جمعیت،

برای اینکه بتوانیم مطالب بیشتری از شما دوستان را منتشر بکنیم و نشریه دانشجویی از طیف وسیعی نویسنده تشکیل شده باشد، سعی کردیم به مکان صمیمی ایجاد کنیم، برای تبادل نظرات و انتقادات، که بیشتر و بهتر برای نشریه قدم مثبت برداریم؛ در صورت تمایل از طریق بارکد پیوست شده مطالبتون رو به صورت ناشناس برای ما بفرستید، تا در شماره‌های بعدی نشریه آنها را در صفحه تریبون قرار بدهیم.



دریافت نشریه
به صورت
الکترونیکی

ارسال مطالب
برای صفحه تریبون
به صورت ناشناس

